

آقای جان بولتون

مشاور امنیت ملی دولت امریکا

باسلام

مواضع پشتیبانی و حمایت بی دریغ شما طی این سالیان از مریم رجوی، بعنوان نیروی اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی ایران پیش از تصدی این مسئولیت در دولت آقای ترامپ، آلوده به اطلاعات نادرست و موهوم، و یا به عبارتی با نیاتی دیگر...، در اختیار شما و سایر مقامات و شخصیت های پیشین دولت و فرماندهان ارتش امریکا قرار گرفته است.

حقایق پیش روی شما

حقایق فراتر از اطلاعات و اسناد و مدارکی و شاهدهینی است که در دسترس من است. بعنوان مشاور امنیت ملی در دولت آقای ترامپ می توانید از وزارت امنیت داخله امریکا بخواهید در یک بریف جامع «گزارش خلاصه وضعیت» یک صفحه ای، از آنچه از قتل و جنایت و فساد در درون سازمان مجاهدین خلق ایران می گذرد، در اختیارتان بگذارند. مواردی از قبیل زندان- شکنجه - قتل - سر به نیست کردن- تحویل دادن مخالفین به صدام و زندان عراق و ابوغریب و رژیم حاکم بر ایران- قاچاق انسان به اشرف بصورت گسترده- شستشوی مغزی بصورت ایدئولوژیک و فرقه ای البته توأم با سیستم متکی به توتالیتریسم و سرکوب و ارعاب! قطع رابطه با جهان و خانواده ها، و عدم دسترسی به اخبار و اطلاعات و اینترنت و تلفن همراه و بی سابقه ترین نوع سانسور، حتی سانسور رسانه ها و سایت ها و برنامه تلویزیونی به اصطلاح «سیما آزادی» و...، جراحی ضد انسانی رحم زنان تحت عنوان «برابری زن و مرد» و مبارزه با جنسیت با دستور مریم رجوی و مسعود رجوی - پرونده سازی برای اعضای درون سازمان و جدا شدن از سازمان و نسبت دادن اتهامات دروغ به آنها... و بتصریح رجوی: «رژیم مالی می کنیم!»، رقص رهایی و محرمت رهبری عقیدتی بر بدن زنان!، مشابه محرمیت پزشک بر بیمار (آنچنان که هیچ پیامبری جرأت چنین امری و جسارتی به خدا و مردم و پیروانش نداشت و نیافت!) و تشکیل حرمسرا در قرن بیست یکم، و قتل مینوفتحلی به جرم تن ندادن به همخوابگی با رجوی و فرار او بسمت مرز اردن و دستگیری و شکنجه او... و نهایتاً مرگ او- به کشتن دادن افراد در ۷-۶ مرداد و ۱۹ فروردین ۹۰ برای رنگین کردن سفره سیاسی مریم رجوی در خارج، آنچنانکه انسیه گلدوست از زنان ارشد شورای رهبری با حسرت می گفت: «کجاست آن شهید طلایی»، تا صحنه را بسود سیاست های رهبری مجاهدین برای باقی ماندن در عراق رقم زند. دریغ کردن جلیقه هایی حفاظتی از اعضا در درگیری هایی که با تیر مستقیم صورت می گرفت (اطلاعیه های مریم رجوی موجود است)...، و درخواست سازمان از مسئولین کمپ لیبرتی برای برداشتن آنها... و سپس درخواست باقی ماندن تی و الهای محدود سازی بین مقرهای مختلف برای جلوگیری از خروج اعضا از مقر، مشابه همان سیستمی که در اشرف بود. دولت مالکی تی و الهای را منتقل کرد و دیگر هم پس نداد و تنها به دادن سنگرهای بتونی تن داد- به کشتن دادن بیماران و ممانعت از خروج آنان از اشرف و لیبرتی و عراق برای درمان...، و تأکید رجوی بر مرگ اعضا در اشرف و ممانعت از انتقال بیماران روبره مرگ به خارج و... اعمال جنایت آمیز بیش از این است که بتوان در این نامه... به آن پرداخت.

آقای جان بولتون

پدیده فرار از مجاهدین از اشرف، لیبرتی، آلبانی و حتی در کشورهای اروپایی؟ (و ادعای مجعول تنها اپوزیسیون دمکراتیک و آنچنان که مریم می گوید: «اسلام دمکراتیک و بردبار» و آنچنان که رجوی می گوید: «اشرف پاک ترین و آزاد ترین شهر جهان... که بر روی آسمانش نوشته اند: الله الله الله.» در حالی است که در همین یکماه اخیر هم موسی دامرودی و غلام رضا میرزایی دوتن از اعضای که ۲۸ سال در تشکیلات مجاهدی بودند، پس از امضای متن عضویت بازگشت ناپذیر و مادام العمر! در اشرف ۳ مستقر در آلبانی، به بهانه دیدار از قبرستان مجاهدین، موفق به فرار شدند. پدیده فرار اعضا

تشکیلات مریم رجوی یک آبروریزی برای رئیس «جمهور» شورای ملی مقاومت است که تمام وقتش را در آلبانی صرف برگذاری نشست برای ماندن اعضا در تشکیلات می کند. چنین افتضاحی را می توان در خبری که ذیلاً می آید، مشاهده کرد:

راديو فردا - ۱۳ اسفند ۹۵

رسوایی بزرگ برای اردوغان:»

پناهندگی ۱۳۶ نفر به آلمان با گذرنامه سیاسی

«پناهنده شدن حتی یک فرد عادی به کشور دیگر نشان از نوعی التهاب در کشور نخست است چرا که اگر شهروندی در کشور خود با مضایقه و تنگنا (اعم از سیاسی، مذهبی، اجتماعی و...) مواجه نباشد چرا باید خاک کشورش را ترک کرده و تن به پناهندگی در کشوری دیگر دهد.

پناهنده شدن حتی یک تبعه کشوری نزد کشور دیگر مایه سرافکندگی دولت کشور مبدأ است. این دقیق مانند این می ماند که فرزندی از خانه پدر خود به خانه همسایه پناه ببرد. آیا چنین رویدادی مایه سرافکندگی پدر خانواده نیست حتی اگر یکی از فرزندان به خانه همسایه بگریزد؟ برای مثال آیا هرگز شنیده شده هیچ یکی از اتباع کشور سوئیس به کشور دیگری پناهنده شده باشد؟ برعکس، تعداد پناهندگان از کره شمالی به کره جنوبی چقدر است؟ آیا هرگز شنیده شده از کره جنوبی هم کسی به کره شمالی پناهنده شده باشد؟...»

اسناد جرم و جنایت (شاهدین، فیلم و نوار صوتی و متن نامه ها و...) در هردادگاه بین المللی و مجامع حقوق بشری قابل ارائه است.

یک نمونه از اظهارات شاهدین: کوروش شریف زاده، زندانی و شاهد شکنجه و قتل... در سال ۱۳۷۳ در زندانهای رجوی که همراه با من در سال ۱۳۹۵ بازگویی میکند، امروز ۱۴ فروردین ۱۳۹۷ در سایت حقیقت مانا و یوتیوب گذاشته شد:

لینک: <https://www.youtube.com/watch?v=Wus3ZZPN8fQ&t=2773s>

«حقایق زندان، شکنجه و قتل توسط دستگاه رجوی از زبان کوروش شریف زاده و سیامک نادری»

موارد جنایت و فساد و سرکوب سیستماتیک و نقض ابتدائی ترین اصول حقوق بشر زیر نظر و هدایت مستقیم رهبران این سازمان «مسعود رجوی و مریم رجوی» بعنوان رئیس جمهور برگزیده مقاومت؟ راذیلاً می آورم:

۱- زندان و شکنجه و کشتن زیر شکنجه، قتل و سر به نیست کردن و خودکشی اعضای سازمان در عراق- اشرف، لیبرتی و آلبانی (کمیساریای مستقر در آلبانی از زندان و قرنطینه در مقر مجاهدین بنام «پایگاه مفید» مطلع است، می توانید مستقیماً در جریان قرار بگیرید).

لیست اسامی بیش از ۴۰۰ زندانی در سال ۱۳۷۳ تهمت اتهام موهم نفوذی و رفع ابهام؟ و اسامی شکنجه شدگان و قتل زیر شکنجه و یا سر به نیست کردن را ارائه داده ام. یک چهارم اعضای موجود دستگیر شده بودند. رجوی در دادگاهی که من حضور داشتم می گفت: «من برای یک فردی که در بازجویی همکاری نمی کرد، حکم دادم که ۱۰ ضربه شلاق بزنند، و وقتی شلاق خورد، اعتراف کرد که نفوذی رژیم است». این در حالی بود که حتی یک نفوذی کشف نشد؟.

۲- تفتیش عقاید و مسائل جنسی افراد در نشست های جمعی و اجباری بودن آن! و حتی بر ملا کردن روابط زناشویی او توسط رجوی و به صحنه و پشت میکرفون کشاندن همسرا و ادعای اینکه: این مرتیکه مثل یک حیوان با من روابط جنسی

... برقراری کند... و تهمت واقفرا با اعضای قدیمی سازمان مهدی افتخاری، فرمانده عملیات انتقال آقای بنی صدر و رجوی از تهران به پاریس با هوایما در نشست ۴۰۰۰ نفری با حضور رجوی و مریم!، و متهم کردن مهدی افتخاری زندانی سیاسی زمان شاه به رابطه جنسی با سگ ها توسط مریم رجوی...، به امری عادی و روزمره در یک فرقه بشدت مخوف ایدئولوژیک تبدیل شده است.

۳- ضمن محکوم کردن شیوه مجازات سنگسار توسط رژیم جمهوری اسلامی، هر نوعی از سنگسار کلامی! در مناسبات درونی مجاهدین با استفاده از ترم های نظامی «عملیات جاری» تنها برای مشروع ساختن این شیوه غیر انسانی و اجتماعی تحت بکارگیری عناوین نظامی و سپس با استفاده از ایدئولوژی اسلامی «جهاد اکبر» توهین و تهمت و فحاشی و کتک زدن افراد در نشست های موسوم به «نشست جمعی»، «نشست دیگ و دیگچه»، «نشست های انقلاب»، «نشست محاکمه اعضا در سال ۱۳۸۰ تحت عنوان مزورانه و متهم نمودن تمامی اعضا به «طعمه رژیم آخوندی» با حضور مسعود رجوی و مریم رجوی و ۴۰۰۰ تن از اعضای مجاهدین در فرارگاه باقرزاده در اشراف، و نشست های هولناک هم عرض با نشست طعمه، در نقطه ایی دیگر از همین قرارگاه، موسوم به «سالن میله ایی» که بیش از نیمی از صندلی های آن بر اثر شدت تهاجمات به سوژه های نشست، شکسته شده بود. و بایک دوربین مدار بسته مستقیم برای مسعود رجوی و مریم رجوی پخش می شد و آنها فرامین لازم را به مهوش سپهری (نسرین) رئیس دادگاه می دادند. من در دو جلسه از این محاکمات قرون وسطایی شرکت داشتم. حتی لیلا سعادت که مسئولیت زندانبانی و شکنجه گربودن را در سازمان دارد، بر غم اینکه دست زدن به مرد در سازمان ممنوع است، با دست از پشت مرا هل میداد تا بروم به سوژه ها حمله کنم و من پس می زدم. و چون با هل دادن موفق نمی شد، لباس و بازویم را گرفته بود و به سمت جمع و سوژه مورد محاکمه می کشید.

عملیات جاری، همان سنگسار است، اما نوع روانی و سنگسار کلامی آن، که در بسیاری موارد کار به ضرب شتم و تفت انداختن به صورت سوژه می شد و فرد می بایست به هر آنچه که جمع حاضر در نشست (طبق آنچه که مسئولین سازمان در نشست مشخص و متهم می سازند و مشابه کیفر خواست است) اعتراف کرده و از پیشگاه رهبری عقیدتی طلب عفو و بخشش نماید. این در حالی است که در همان نشست و یا فردا، یکی دیگر از همین اعضا و جمع حاضر، سوژه ارعاب و نسق کشی می شوند. این چرخ دنده خرد کننده انسان و ابرسازه ابداعی له کردن حرمت انسانی و ارعاب و سرکوب، بمدت بیش از یک ربع قرن است که همه اعضا در جایگاه متهم قرار دارند، که چرا رهبری و مریم رجوی را به ایران و بر سر حاکمیت نرسانده اند.

جنگ رجوی با خمینی از آغاز جنگ «دو خروس در یک کنام» بود. در کتاب «حقیقت مانا - گزارشی به سه نسل - خطاب به رجوی» با ارائه اسناد و مدارک و با اتکا به سخنان رجوی و مریم رجوی و... به تفصیل آمده است. ما و مردم مورد خیانت رهبری سازمان واقع شدیم. ما و مردم را فروختند. رجوی در سال ۶۸ بر تابلو می نوشت: «مرا نفروشد، مرانکشید» اما آنچه می گفت، خود انجام داد. تنها جرم ما عشقمان بود، و عشق به مردم و آزادی. و رجوی روی این سرمایه و به اعتراف همگان «نسلی بی بدیل در تاریخ ایران»، کیش شخصیت و خودشیفتگی و خودکامگی جنون آمیزش را به پیش برد. تفاوت خمینی با رجوی این بود که: «خمینی گوشت و خون هم نوعانش را می خورد، و رجوی گوشت و خون عاشقانش را!!».

همچنانکه از جنایات خمینی و قتل عام «طوقیان سربدار ۶۷» فراموش نمی کنیم و نمی بخشیم! خیانت و جنایت رجوی رانیز چونین!

آقای بولتن!

در هیچ کجای این نوشتن این سطور، اشکی به چشمانم نیامد. الا این همین «طوقیان سربدار ۶۷»...! در این چهار دهه، هرگز مجالی به لیسیدن زخم ها نبود. زخمها و چنین مهمانی همیشه در راه است...، سال ۵۷ خمینی و ولایت فقیه نیمه از ماه را به سیاهی نشانند، رجوی بار رهبری عقیدتی نیمه دیگر، و ما را رناتمام گش کرد.

خون ورنج و طنابها ی داربرگردن طوقیان سربدار ۶۷، برای جاه و بام و نام رهبری عقیدتی نیست. در مقابل چنین سوء استفاده کثیفی برای پنهان سازی و مخدوش کردن حقیقت، باتمام توان و قدرت ایستاده ایم و روشنگری میکنیم. همانطور که

حداد عادل از نزدیکان خامنه ایی از ۶۷ بمثابه « قصه زیرپوست مردم » نام برد. من وما و مردم هرگز سرسوزنی از این خونها و آرمان آزادی ونفی توتالیتاریسم ایدئولوژیک با هر نوعی از ولایت فقهانی یا رهبری عقیدتی کوتاه نخواهیم آمد. همچنانکه در لیبرتی و در تشکیلات مجاهدین این شعر بیانگر آنچیزیست که در تشکیلات رجوی می گذشت:

"قلبم به استعاره " می تپد " ۱۳۹۱/۷/۲۵

در ریشه هایم مسکن گزیده ام

بیدار مانده ام

زیر پوست ورگ مردمان خوب

آوازی خوانم ، ایمان مست

در رزوهای نکبت این سگدانی

زیر چتر دروغ

تن کرده ایم سگ پوشی

بر دامان زندگی

قلبی - به استعاره می تپد ! چنین

من گفته بودم - نمی خواهم !

زنگارهای این چرخ کین گرفته را

قتل عام روز را ...

در سالیانه های شب

چشمان خون گرفته - زخم لیس صید بیست

هیچ کس بر در کز کرده این گومه نکوفت

سالیان است

مُرده آواز

نفرت از سفره مردم

برکت برچیده

سالیان است دراز

روی گل کرده های نگارِ فخر
ماسیده دروغ
و بوی عفونت گرفته هوا ...

خون میدود درتخیل من
من - فکر مداوم گنجشک باران زده را - دیده ام
درخطوط غریزه اش - کنکاش چاره ای...

حجم و قیج دروغ ترکیب
بی هیچ مجالی به زخمهای اعتماد
خون میدود در رگان تخیل من

درکاسه خون چشم
شراب یافتن گمان مبر
بر باد باد آرزو
"امید" بر "خرمن باد" کاشتن
زهر فرو رونده را - به حلقوم نگر!

درزهرخورانی این جهان
"قلبم" به استعاره می تپد
وزبان
درگلوی گر گرفته مختنق
آواز می دهد
خون مرا ...

از کتاب: «برای لبخندی که بر لبانم بنشیند» سیامک نادری

۴- همچنانکه در ۱۳ فروردین سال ۹۷ از پدیده قاچاق انسان توسط رهبری این سازمان (مسعود رجوی و مریم رجوی) پرده
براشتم. همچنین لیست ۳۵۰ تن همراه با ۱۵۰ عکس از افرادی که بصورت قاچاق انسان از ایران، ترکیه، امارات متحده،
پاکستان، عراق و ... با وعده و فریب کاریابی و ساختن کیس سیاسی برای اعزام به اروپا و ... آنها را به عراق و قرارگاه

اشرف می کشانند، سپس با ارباب و تهدید آنها، به متهم کردن بعنوان مزدور رژیم و جاسوس راه برگشت بر آنها از این سیاهچاله رامی بستند، و بسیاری از آنها که بدلیل اعتراض به این اقدام، زندانی و شکنجه شده و یا دست به خودکشی زده و از این بخت شوم... مرگ را پذیرا شدند.

در لیست بیش از ۷۰ خودکشی در تشکیلات مجاهدین، تعداد بسیاری از این تیره بختان بودند. افرادی که باسخت ترین نوع خوکش، خود را به آتش کشیدند. زیرا پیش از آن رجوی زندگی و آرزو و آمل آنها را به آتش کشیده بود.

اطلاعات دولت امریکا در این زمینه بدلیل مصاحبه با این افراد، بسا بیشتر از آن چیزی است که من در این لیست به تنهایی جمع آوری کرده ام. قاچاق انسان، نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر و یک جرم و جنایت شناخته شده بین المللی است.

آقای بولتن

شما می توانید با یک دستور از وزارت داخله وزارت امنیت داخلی، اف بی آی و وزارت خارجه و... ویا با مراجعه به آنها، از حقایق فوق مطلع شوید.

آقای دیگو در آبانماه سال ۹۵ مصاحبه کننده اصلی هیأت (هیأت سه نفره مصاحبه کننده، همراه با خانمی که تایپ می کند و او نیز نفر چهارم همین هیأت است، و در بسیاری موارد خود او هم از مصاحبه شوندهگان سوال هایی را مطرح می کند، بهمراه یک مترجم فارسی زبان ایرانی- امریکایی. در واقع ترکیب این هیأت چهار نفره است، از چهار وزارتخانه و نهاد های امنیتی امریکا با اعضای سازمان در لیبرتی و سپس در البانی مصاحبه کرده اند) با تحقیقات هیأت امریکایی، در واقع تنها احتمال ضعیفی که مبنی بر زنده بودن محمد رضا حقیقت وجود داشت و اینکه ممکن است بی سروصدا از سازمان رفته و در امریکا زندگی می کند، منتفی شده و باید او را هم جز کسانی دانست که در سازمان سر به نیست کرده اند. محمد رضا صداقت شهروندی امریکایی بود که از سال ۱۳۷۰ در زندانها رجوی بود.

محمد رضا صداقت از کادر های سازمان مجاهدین در روابط خارجه در امریکا بود، او یکی از سه و چهار نفر شورای تشکیلات سازمان در امریکا و همسطح حسین مدنی قرار داشت. حتی در آن هنگام که حسین مدنی نیز در «شورای تشکیلات امریکا» حضور داشت، سازمان مجاهدین محمد رضا صداقت را جهت ملاقات با جمیز بیکر مسئول وقت در دولت امریکا فرستاده بودند.

آقای دیگو پرس وجو از سرنوشت محمد رضا صداقت، اطلاعاتی از حمزه رحیمی و سرنوشت او را نیز دنبال می کرد و می گوید: «خلبان اف ۵ بود!» و یک سری سوالاتی درباره حمزه از یکی از جدا شدگان در مصاحبه داشت. بدلیل اینکه نوع سوالات مشخص کننده فرد مصاحبه کننده است، از درج آن خودداری کردم. احتمالاً بدلیل اینکه اف ۵ هواپیمای شناسایی هوایی امریکایی بود و از طرفی موضوع ۱۱ سپتامبر و حمله تروریستی به برجهای دوقلو و... تهدیدی برای امریکا وجود داشت، پیگیری سرنوشت حمزه رحیمی برای آنها حائز اهمیت است. چرا که افراد دیگری هم هستند که وضعیت مشابه محمد رضا صداقت و حمزه رحیمی را دارند، اما درباره آنها، اینچنین بطور ویژه پیگیری نکرده است؟.

آقای جولیان ریچک مصاحبه ایی در پاسخ به خبرنگار گفته اند: «مجاهدین نظم خودشان را دارند». همچنانکه جواد لاریجانی ستاد حقوق بشر اسلامی رژیم ولایت فقیه نیز در قبال سوالات خبرنگاران در مورد نقض حقوق بشر مدعی است که: «ما فرهنگ خاص اسلامی خودمان را داریم»

سند زندان و شکنجه و قتل در ویدئو کلیپ سایت حقیقت مانا و یوتیوب ضمیمه است، تا آقای جولیان و ردیف دوستان و پشتیبانان «ایران آزاد» مریم رجوی، معنی «نظم» را روشن سازند.

آنجایی که آقای جولیان در ۱۱ سپتامبر شهردار نیویورک بودند و حمله تروریستی به برجهای دوقلو و... صورت گرفت و رهبران مجاهدین «مسعود رجوی و مریم رجوی» برای این عملیات تروریست جشن و آهنگ رقص شادی و شیرینی

پخش کردند، و کف زدند، تعریف تمجیدها صورت گرفت؛ بعهده خود زوج رجوی و جولیانای ودرشان آنها است! اما ما و مردم ایران چنین تعریفی از زندان و شکنجه و قتل و فساد و قاچاق و... را «نظم» نمی‌نامیم. ما نظم جنایت توتالیتاریسم پادگانی و گورستانی را جزء خواسته‌ها و آمل و آرزوهای خود و مردم نمی‌دانیم. به همین دلیل چنین اظهاراتی نه تنها در سیاست، بل در آینده مورد قضاوت حقوقی قرار خواهد گرفت، و هر آنچه پشت پرده است... همچنانکه درباره قرارگاه اشرف و رجوی آشکار و عیان شد، چنین مسائلی نیز در معرض عموم مردم و افکار جهانی قرار خواهد گرفت.

۴- هر اپوزیسیونی که پیش از به حاکمیت رسیدن، خود به ایجاد زندان، شکنجه و قتل در زیر شکنجه مبادرت می‌کند، نمی‌تواند بعنوان جایگزین مشروعی بر رژیم ولایت فقیه حاکم ایران قرار بگیرد. ولایت فقیه و رهبری عقیدی در اندیشه و عمل، دو روی یک سکه سیاه ارتجاع بازمانده از قرون وسطی هستند. هرگونه مشروعیت بخشیدن به توتالیتاریسم ایدئولوژیک، نقض حقوق و حق حاکمیت آحاد مردم ایران است.

طبعاً آنچه به سیاست امریکا و اروپا و ممانعت و محدود سازی توان موشکی رژیم جمهوری اسلامی ایران، و صدور تروریسم افسارگسیخته و تشکیل ام القراء اسلامی هلال شیعی، از لبنان، سوریه، عراق، یمن بحرین تا افغانستان، همچنانکه در مواضع اتحادیه اروپا و سران اصلی آن (آلمان- فرانسه و انگلستان) بازتاب داده می‌شود، امری در جهت مقاومت و مردم میهنمان است.

آقای جان بولتن

بدین وسیله اعلام می‌کنم: در هر محکمه بین المللی و مجامع حقوق بشری و یا در یک کنفرانس مطبوعاتی در مقابل رسانه های خارجی و ایرانی در خارج (بدون حضور رسانه های رژیم جمهوری اسلامی) باشما و آن دسته از شخصیت های امریکایی از جمله آقای جان مک کین، رودی جولیانای، رابرت توریسلی و... حاضر شده و با ارائه حقایق و اسناد، فیلم و نوار صوتی و شاهدین حقایق فوق را ارائه دهم.

آنچه اصالت داشته و دارد، همانا اراده و حق حاکمیت رنگین کمانی از آحاد مردم، برای تحقق فرهنگ و آرمان آزادی، از دست رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. اصالت اپوزیسیون را مردم تعیین می‌کنند، و لا غیر.

با احترام

سیامک نادری - آلمان ۱۴ فروردین ۱۳۹۷